[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

تأملی در آرای عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله
مطالعه موردی: بازخوانی تکوین اولیه روستای فتح‌آباد تبریز

محمد باقر کبیر صابر *

تاریخ دریافت مقاله: 1390/12/13
تاریخ پذیرش مقاله: 1391/06/18

چکیده

خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه دانشمند و دولتمرد ایرانی، جلوه‌ای متفاوت و در عین حال ممتاز از سنت علمی و عملی ایران عهد مغول است. او پذیرش مسند وزارت در دولت ایلخانی را فرصتی برای تجدید حیات معرفت و علم در جامعه ایرانی می‌پنداشت. کیاست و درایتی که او در اصلاح جامعه بحران زدهٔ ایران از خود نشان داد، او را به نمادی از ایستادگی عنصر ایرانی در برابر سلطه مغول مبدل ساخت. از آثار این دانشی‌مرد و دولتمرد بابصیرت که در شمار مهم‌ترین شاهکارهای فرهنگی تاریخ ایران قرار دارد، برنامه‌ریزی و بنیان‌گذاری شهرستان رشیدی با مرکزیت دارالعلم ربع‌رشیدی در شرق دارالسلطنه تبریز است. این شهرستان بنا به متن صریح وقف‌نامه ربع رشیدی، به‌منظور حمایت از علم و عالِم بنا نهاده شده بود و همه ارکان آن، از مرکز تا آبادی‌ها و باغات پیرامون همه در جهت تأمین چنین نیتی عمل می‌کردند. یکی از آبادی‌های واقع در حاشیه سبز این شهرستان، روستای فتح‌آباد بود که بر اساس مستندات تاریخی، تدبیر امور عمرانی آن از بدو شکل‌گیری، مدیون نظر و دخالت مؤثر شخص خواجه رشیدالدین بوده است. از منظر تأملات تبارشناسی روستا در ایران، ویژگی فتح‌آباد آن است که اطلاعات معتبری درباره نحوه تکوین وجود اولیه آن در منابع معتبر قابل جستجو است. نوشتار حاضر برآمده از پژوهشی بر پایه اطلاعات مذکور می‌باشد که به روش توصیفی ـ تاریخی انجام گرفته است. این نوشتار ضمن بحث درباره پیشینه کالبدی روستای فتح‌آباد، روشن می‌نماید که نحوه طرح‌افکنی روستا در آن دوره علاوه بر آنکه وامدار سنت‌های عمران روستایی در ایران بود، خصوصیات ویژه‌ای نیز داشته است که آن را از دیگر روستاهای ایرانی متمایز می‌نمود. این ویژگی، منبعث از دو عامل عمده بود، نخست؛ تعلق ماهوی و ارتباط این روستا با دارالعلم ربع‌رشیدی و دوم؛ تدبیر و تمهیدات خاصی که خواجه رشیدالدین برای انجام و فرجام آن اندیشیده بود. مطالعه نوشتار حاضر همچنین برای شناخت جایگاه و اعتبار برنامه‌ریزی در آرای عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله سودمند است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی زمین، مکان‌یابی، محیط مصنوع، ربع رشیدی، روستای فتح‌آباد.

* عضو هیأت علمی گروه تاریخ معماری و مرمت دانشگاه شهید بهشتی. mbkabirsaber@gmail.com

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

مقدمه

روستای فتح‌آباد تبریز در میان سلسله روستاهای تاریخی ایران، به دلیل آنکه بخشی از شهرستان رشیدی و جزو رقبات «ابواب‌البرّ ربع رشیدی» بوده است، اعتبار خاصی دارد. برای درک جایگاه تاریخی این روستا کافی است متون معتبری همچون «وقفنامه ربع رشیدی»، «تاریخ الجایتو»، «مکاتیب رشیدی» و غیره مورد مطالعه قرار گیرند؛ به‌خصوص متن «الوقفیه‌الرشیدیه بخط‌الواقف فی بیان شرائط امورالوقف و المصارف» یا همان وقفنامه ربع رشیدی که در آن شرح تفصیلی نکاتی را می‌توان یافت که خواجه در باب عمران و اداره این روستا اندیشیده بود. این اطلاعات تاریخی که فرصتی مناسب برای فهم اصول برنامه‌ریزی روستایی در آرای عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله را فراهم می‌نمایند، اصولاً زمانی سودمند هستند که در یک فرایند منطقی در چرخه تأملات روستاشناختی مورد تحلیل و تدقیق علمی قرار گیرند ولی متأسفانه با وجود اسناد و ادلّهٔ کافی درباره جایگاه تاریخی روستای فتح‌آباد و به‌خصوص باغ تاریخی آن که نمونه‌ای نادر از باغ‌های دوره ایلخانی در ایران است، توجه چندانی نسبت به این امر دید نمی‌شود. نوشتار حاضر بر پایه این باور نگارش یافته است که بحث علمی درباره پیشینه محیط مصنوع این روستا و ایجاد آگاهی نسبت به نحوه برنامه‌ریزی و آفرینش آن، می‌تواند سهمی در شناخت اصول برنامه‌ریزی در آرای عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز ایفا نماید. با این حال دستاورد این نوشتار در محدوده معرفتی معین و در ارتباط با اقدامات عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله در منطقه فتح‌آباد نافذ است. سؤال اصلی بحث حاضر این است که در آفرینش روستای فتح‌آباد، مقوله برنامه‌ریزی زمین به چه میزان موضوعیت داشته است؟ سؤال بعدی کلی‌تر است و سؤال از این دارد که اصولاً در پروژه عمرانی ربع رشیدی اعتقاد و توجهی به مقوله برنامه‌ریزی زمین وجود داشته است؟ روش انجام مطالعه، به‌اقتضای موضوع مورد پژوهش، روش توصیفی ـ تاریخی انتخاب شده و لذا شیوه تدوین مطالب نیز تابع چنین رویکردی است. مطالب این نوشتار در پنج بخش تدوین شده که عبارت است از: 1. شناخت مکانی، 2. شناخت محیطی، 3. شناخت تاریخی 4. آب و آبیاری، 5. برنامه‌ریزی زمین در عمران فتح‌آباد

شناخت مکانی

فتح‌آباد تا چند سال پیش، یکی از آبادی‌های سرسبز و خرم حومه جنوب‌شرقی شهر تبریز بود و در تقسیمات کشوری جزو محدوده دهستان «میدان‌چای» از بخش مرکزی شهرستان تبریز به‌شمار می‌آمد (تصاویر شماره یک و دو). اما در اواسط دهه هشتاد هجری‌شمسی با تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری، اراضی این روستا در محدوده کلان‌شهر تبریز قرار گرفت؛ بنابراین در حال حاضر فتح‌آباد از نظر گونه‌شناسی سکونت‌گاه‌های انسانی، جزو «روستاهای ادغام شده در شهر» محسوب می‌شود. فتح‌آباد در طول جغرافیایی (′23 و °46) و عرض جغرافیایی (′01 و °38) و در ارتفاع 1680 متر از سطح دریا مستقر شده و رودخانه باسمنج‌چای از شمال آن می‌گذرد (فرهنگ جغرافیائی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، 1371، ص122). طبق آمار تهیه شده در دهه هفتاد شمسی، این آبادی 236 خانوار داشت که در 190 واحد مسکونی زندگی می‌کردند (شناسنامه آبادی‌های کشور، 1376، ص76). منطقه فتح‌آباد به لحاظ استقرار در اراضی شمالی پیش‌کوه‌های سهند، ویژگی بوم‌شناختی روستاهای ناحیه سرد و کوهستانی را دارد و لذا از نظر اقلیمی در تابستان‌ها برخودار از لطافت و طراوت خاص دامنه‌های سهند بوده و برعکس در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

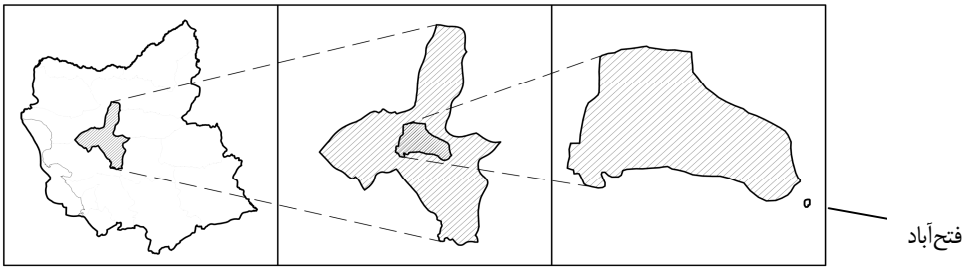
زمستان‌ها سرد و عاری از هر نوع طراوت گیاهی است. به دلیل موقعیت آب و هوایی مطلوب که منطقه فتح‌آباد از آن برخوردار می‌باشد، همواره در چند دهه گذشته، جذابیت‌هایی برای توسعه شهر تبریز به سوی خود ایجاد می‌نمود. در اوایل دهه هفتاد شمسی شهرک یاغچیان بر روی گندم‌زارهای دیم فتح‌آباد احداث شد؛ در حالی که این اراضی زراعی یکی از منابع درآمد اهالی روستا به شمار می‌آمد، لکن اکثر روستائیان از بالا رفتن قیمت زمین و معامله آن خرسند بودند. در نهایت در دهه هشتاد شمسی با تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری، اراضی فتح‌آباد به‌انضمام اراضی چند روستای دیگر با نام جدید شهرک خاوران، در داخل محدوده کلان‌شهر تبریز قرار گرفت. در حال حاضر به دلیل آنکه ضوابط جدید برای عمران فتح‌آباد از سوی مراجع ذی‌صلاح هنوز اعلام نشده است، لذا موقتاً تمامی فعالیت‌های عمرانی در آن منطقه، تابع طرح هادی قبلی می‌باشد[1].

شناخت محیطی

مقیاس کلان؛ محیط طبیعی

مجموعه بلندی‌های افراشته سهند تقریباً در مرکز گسترهٔ جغرافیایی آذربایجان ایران مستقر می‌باشد و ذوب تدریجی برف‌های نشسته بر قلل آن، منبع آبی پایان‌ناپذیری برای نظام هیدرولوژی منطقه به‌شمار می‌آید. فراوانی آب در دامنه‌های سهند و موهبت‌های طبیعی ناشی از حضور سخاوتمندانه آب، تعادل بوم‌شناختی مطلوبی را برای منطقه رقم زده است. فتح‌آباد در بستر انتهایی دامنه‌های شمالی سهند و در جایی که برخوردار از خاکی حاصلخیز می‌باشد واقع شده است (تصاویر شماره سه و چهار). دامنه‌های شمالی سهند که شیب توپوگرافیک از شمال به جنوب (از قله به دامنه) دارند، بستر ناهمواری هستند که عموماً حالت آبرفتی دارند و در زیر آن، سفره‌های زیرزمینی آب با پتانسیل ذخیره بالا قرار دارد[2].

ت1. موقعیت روستای فتح آباد در استان آذربایجان شرقی .

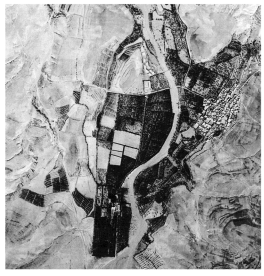


کلان شهر تبریز و موقعیت فتح آباد | شهرستان تبریز | استان آذربایجان شرقی

ت2. تحولات ساختاری روستای فتح آباد در دوره معاصر .



عکس هوایی فتح آباد 1380



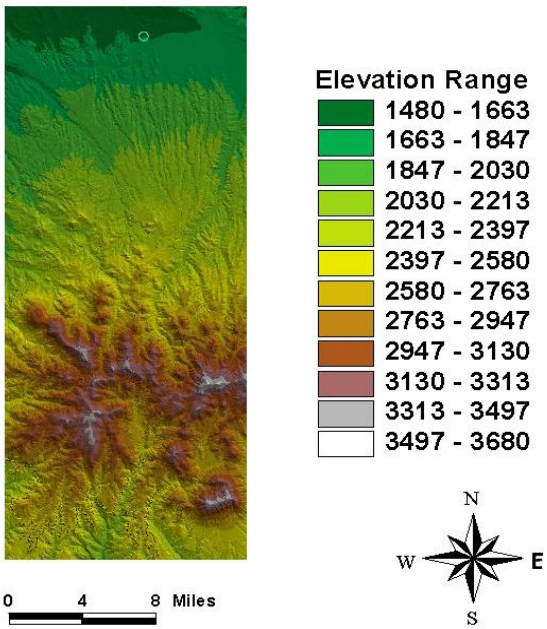
عکس هوایی فتح آباد1335



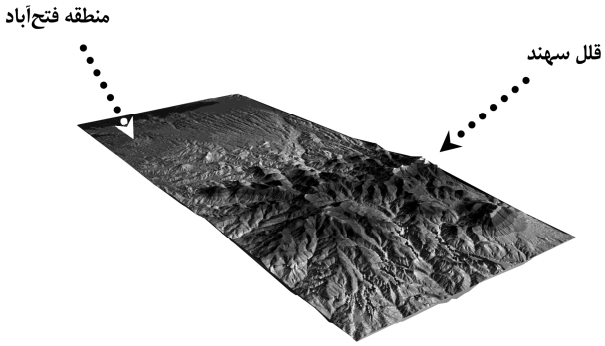
موقعیت فتح آباد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

ت3. موقعیت روستای فتح آباد نسبت به قلل سهند.
منبع: کبیر صابر، 1384، ص 66



ت4. موقعیت روستای فتح آباد نسبت به قلل سهند.
منبع: کبیر صابر، 1384، ص 66



مقیاس خُرد؛ محیط مصنوع

نحوه ترکیب‌بندی فضایی و نیز هندسه پلان روستای فتح‌آباد در مقایسه با دیگر روستاهای منطقه کاملاً متفاوت می‌باشد. چنین تفاوتی برآمده از آن است که در پهنه پلان روستا، وجود و حضور «باغی بزرگ» همه چیز را تحت‌الشعاع خود قرار داده است؛ گویی که روستا و ساکنان آن، همه وابستگی‌هایی با باغ دارند. بازخوانی تاریخ روستای فتح‌آباد ـ که نتایج آن در ادامه ذکر خواهد شد ـ روشن می‌کند که این ترکیب ساختاری برآمده از عمدی است که خواجه رشیدالدین آن را تدبیر کرده بود. اما درباره این هنجار محیطی باید به وجود یک مسیل بین روستا و باغ اشاره نمود. این مسیل که خطرپذیری عرصه روستا و باغ را از تهدید سیل‌های اتفاقی به حداقل می‌رساند، بسان یک مرز نیز عرصه آن دو را از هم جدا می‌کند (تصاویر 6 و 5).

ت5. موقعیت مسیل بین روستا و باغ.



ت6. نمایی از روستا.



تأمل در عکس هوایی سال 1335 هجری‌شمسی نشان می‌دهد که حضور موقر، متحد و مؤثر روستا و باغ در گستره ناهمواری‌های طبیعی منطقه فتح‌آباد، تا چه میزان بر کارآیی محیط طبیعی و زیبایی‌های آن افزوده بود (تصویر شماره دو). بخش اعظم این موفقیت، مرهون

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

برنامه‌ها و راهبردهای عمرانی در ایجاد این روستا می‌باشد که توانسته است هم‌آوایی بین ارکان محیط مصنوع با محیط طبیعی را رقم بزند. لذا تعامل بین بین طرح و طبیعت در این روستا، بی‌تردید حاصل شناخت لطایف و دقایق بستر طبیعی و سپس تلاش هوشمندانه برای ایجاد هماهنگی طرح با آن بوده است[3].

شناخت تاریخی

کتاب ارزشمند «تاریخ الجایتو» حکایت از آن دارد که اراضی فتح‌آباد در حدود هفت قرن پیش و در روزگار دولت ایلخانی، خلعت عمران به تن کرده است. «القاشانی» مؤلف کتاب مذکور در شرح وقایع سال 710 هجری قمری با ذکر برخی از اقدامات عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تبریز و حومه آن نوشته است که: "و نیز [خواجه رشیدالدین فضل‌الله] قرب سیصد سر گاو دیو هیکل عفاریت منظر با چند نفر گاوبنده یزدی به تبریز آورده است تا جمله قاذورات و مستقبحات شهر بر پشت ایشان به باغ فتح‌آباد و رشیدآباد و غیره ما می‌کشند، که فتح آباد به ایام سابق کوه‌های خشک بود و اکنون هریک بهشتی آراسته به انهار و اشجار و انوار و اثمار پیراسته و دیگر خیرات و مبرات بی‌حصر و مر که به اطراف و جوانب کرده است" (القاشانی، 1348، ص116). از این متن مستفاد می‌شود که منطقه فتح‌آباد تا پیش از برنامه عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله، بایر و عاری از هر نوع زراعت بوده تا اینکه در اثر توجه خواجه قدم در عرصه آبادانی می‌نهد. البته مطالعه این بخش از «تاریخ الجایتو» پرسشی را به ذهن متبادر می‌نماید مبنی بر اینکه چرا باید عمران روستایی در منطقه تبریز با قوّت برزیگران یزدی به ثمر برسد؟ «ایرج افشار» در مقاله‌ای تحت عنوان «رشیدالدین فضل‌الله و یزد» با ذکر اینکه خواجه رشیدالدین" در آبادان ساختن دیه فتح‌آباد تبریز از برزیگران و زارعان کارآمد و پرکار یزدی و گاوان زوردار آنجا مدد گرفت" (افشار، 1350، ص25) و نیز "رشیدالدین برای آبادان کردن دیه فتح‌آباد و رشیدآبادتبریز که ملک خودش بود از برزیگران یزد و گاوان آن‌ها که در امر زراعت هماره شهرت داشته‌اند، استفاده کرد" (پیشین، صص33ـ32)، یکی از دلایل توجه خواجه رشیدالدین به یزد را وصلت دو تن از فرزندان خواجه با افرادی ذی‌منزلت از آن شهر ذکر کرده است.

اما اطلاعات تاریخی دقیق‌تر درباره فتح‌آباد را باید در متن «الوقفیه‌الرشیدیه بخط‌الواقف فی بیان شرائط امورالوقف و المصارف» یا «وقفنامه ربع رشیدی» که یکی از تألیفات برجسته خواجه رشیدالدین فضل‌الله است، جستجو نمود. خواجه در فصل یازدهم وقف‌نامه مذکور، از دو باغ اصلی شهرستان رشیدی یعنی باغ فتح آباد و باغ رشیدآباد[4] در ردیف باغات وقفی ابواب‌البر نام برده است (فضل‌الله الهمدانی، 1356، ص153). باید توجه داشت باغ و ملحقاتی که خواجه رشیدالدین در فتح‌آباد بنا نهاد، هسته و بنیان روستایی شد که به نام روستای فتح‌آباد شناخته می‌شود.

در آن زمان که فتح‌آباد و رشیدآباد در حاشیه شهرستان رشیدی، اراضی نوآباد و جدیدالتأسیس محسوب می‌شدند، طبیعتاً فاقد جماعت روستایی بومی بودند. بنابراین خواجه رشیدالدین امور باغبانی، زراعت و عمارت آن‌ها را به غلامانی که از موطن خود جدا افتاده و همه روابطشان با زندگی مألوف قبلی قطع شده بود، واگذار کرد[5]. خواجه رشیدالدین در نامه‌ای به یکی از فرزندان‌اش، "غلامان و کنیزانی را که جزو جمع باغ فتح‌آباد محسوب داشته[،] مزارعان فتح‌آباد خوانده است" (پطروشفسکی، 1357، ص601). در این راستا خواجه رشیدالدین برای تضمین تدوام آبادانی در فتح‌آباد و رشیدآباد، تدبیری اندیشید تا بعداً کسی نتواند غلامان مذکور را از آن اراضی جابه‌جا کند؛ لذا این مزارعان و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

برزگران نورسیده را طی شروط امتیازبخشی که بـه آن‌هـا حقوق می‌بخشید، وقف عمران فتح‌آباد و رشیدآباد نمود[6].

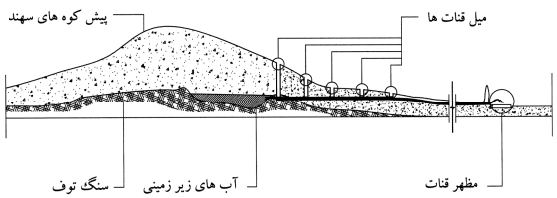
بدین ترتیب در تبـدیل ایـده بـه پدیـده کـه منجـر بـه آفرینش و عمـران فـتح‌آبـاد شـد، بـه دلیـل نـوع ترکیـب جمعیتی (یعنی اسکان غلامان) و نیز نحوه اداره آن (وقف بر ربع رشیدی)، شـاهد ظهـور یـک هنجـار یـا نـوآوری عمرانی جدید هستیم. به هر حال در فتح‌آباد جامعه‌ای بـه وجود آمد که با وجـود جمعیـت کـم، دارای زمـین‌هـای گسترده‌ای بود. از سـویی بـه تبـع ایـن اصـل غالـب کـه "اساس فعالیت در روستا بر مبنای زراعـت و باغـداری و در ارتبـاط بـا پوشـش طبیعـی اطـراف آن بـوده اسـت" (سرتیپی‌پور، 1388، ص5)؛ در فتح‌آباد نیـز تولیـد مبنـای معیشت و کشاورزی مهم‌ترین شیوه تولید بود.

اما آنچه در متن وقف‌نامه جلب توجه می‌کنـد، اعطـای امتیازاتی است که غلامان مزارعه‌گـر را قـدری هـر چنـد اندک اعتبار و حقوق می‌بخشیده است. بدین ترتیب ایـن غلامان مانند رعایای دیگر روستاها از خود خانه داشتند و صاحب زن و فرزند بودنـد و همچنـین از محصـول کـار خویش سهم می‌بردند (پیشین، ص601). منـابع تـاریخی درباره رعیت‌پروری و عدالت‌ورزی خواجـه رشـیدالدین، مستندات فراوانی ارائه می‌دهند[7]. «لمتون» در کتاب «مالک و زارع در ایران» دربـاره دسـتورات خواجـه رشـیدالدین نسبت به حُسن سلوک با زارعـان و دهقانـان مـی‌نویسـد: "نصایحی که رشیدالدین درباره نیک‌رفتاری با رعایـا داده است در مکاتیب او فراوان است. شـاید بتـوان گفـت کـه این نصایح با سـخنانی کـه حـاکی از نیـات خداپسـندانه اسـت[،] چنـدان فرقـی نداشـته اسـت" (لمتـون، 1362، ص191).

آب و آبیاری

در راهبرد عمرانی فتح‌آباد که توسط خواجه رشیدالدین برنامه‌ریزی شده بود، آب مورد نیاز برای امور عمرانـی و زراعی منطقه می‌بایست از طریق قنات تأمین می‌شد. لـذا یکی از ابتدایی‌ترین تصمیمات خواجه در عمران فتح‌آباد، حفر قنواتی بود که در تمامی لحظات، آب مورد نیاز را به حد وفور فراهم نمایند (تصویر شماره 7). حال اگـر یـک بار دیگر به این نکته توجه نمـاییم کـه "فتحابـاد بـه ایـام سابق کـوه‌هـای خشـک بـود و [.....]" (القاشـانی، 1348، ص116)، اهمیت و کارآیی قنواتی که آب‌های زیرزمینـی عرصه‌های جنوبی‌تر را به اراضی فتح‌آباد انتقال داده‌اند، به سادگی مبرهن می‌شود. نکته جالب این است که در حـال حاضر برخی از این قنات‌های هفت‌صد ساله، مانند قنات باغ تاریخی فتح‌آباد همچنان دایر و جاری هستند.

ت7. نمایی از نحوه عمل قنات‌ها در فتح آباد.
منبع: کبیر صابر، 1384،ص112.



یک نکته مهم، ولی مبهم که دربـاره برنامـه‌ریـزی امـور آب در اندیشه عمرانی خواجه رشیدالدین برای فـتح‌آبـاد وجـود دارد، آن اسـت کـه در حـال حاضـر نمـی‌تـوان تشخیص داد که آیا حفر قنوات همزمان و توأم با آفرینش دیگر ساختارهای روستا پیش رفته است؟ و یا اینکه ابتـدا حفر و بهره‌وری قنات در اولویت بوده و سـپس بـه تبـع نحوه حضور آب در منطقـه، فراینـد آفـرینش سـاختاری شروع شده است؟ مع‌الوصف آنچه مسلم است اینکـه در صورت صحت هر یک از دو فرض، پیش‌تر برای خواجه رشـیدالدین و دسـتیاران وی، شـناخت کـاملی از هنجـار طبیعی و ارگانیک بستر طرح حاصل شده بود و آن‌هـا بـه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

دنبال چنین شناختی، مسیر قنوات و مختصات مظهر آن‌ها را انتخاب نموده بودند.

وقفنامه ربع رشیدی هر چند در بیان شروط و امور قنواتی که بر فتح‌آباد جاری بودند، توضیحات مبسوطی دارد، لکن اطلاعاتی درباره نحوه برنامه‌ریزی ساخت آن‌ها ارائه نمی‌کند. خواجه رشیدالدین در فصل دوازدهم وقفنامه ربع رشیدی، در شرحی راجع به یک گروه سی نفری از غلامان که عهده‌دار امور کهریزکنی در باغات فتح‌آباد و رشیدآباد بودند، نوشته است: "سی نفر را که کهریزکن‌اند به کهریزکنی در قنوات باغات وقف مشغول گردانند تا در عمارت و حفر کهریز و استنباط و استخراج آب مقدور به تقدیم می‌رسانند و به وقت کارفرمودن با او مقرر کنند که هر پنجاه‌گز به چه مقدار می‌کند و از آن سه ربع به وی دهند و برین نسبت اجرت پنجاه‌گز [.....] چون آن را باز سپارد اجرت پنجاه گز دیگر تسلیم کند و قطعاً زیادت از آن به تقدمه ندهند و معتمدی بر سر ایشان نصب کند تا نگذارد که ایشان زمان را به عطله و تضییع فوت کنند و بر آن موجب مقرر سه ربع آن بدیشان دهند و یک ربع جهت غبطهٔ وقف بازگیرند و به زیادتی هر یک را مادام هر سال مقدار یک جریب گندم از حاصل موقوفات آن مواضع وقف بدهند، به سبب آنکه کار ایشان سخت و با خطر است و اگر باغات وقف را به استاد کهریزکن حاجت نباشد و کهریزها معمور گشته و آب کافی، متولی مصلحت آن بیند که ایشان را به کارهای دیگر مشغول گرداند بر آن موجب پیش گیرد و با آن مردم معتمدان متولی مقرر کند و از کسب ایشان بر وجهی که شرح داده شد کسان متولی سه ربع بریشان مقرر دارند و یک ربع معتمدان متولی از آن کارفرمای بگیرند جهت وقف" (پیشین، ص155).

درآمدی بر جایگاه برنامه‌ریزی زمین در آرای عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله

چیستی‌شناسی «برنامه‌ریزی زمین»

در اصطلاح امروزین "برنامه‌ریزی زمین وسیله تعریف و تشخیص مسائلی است که از رابطه متقابل بین انسان و زمین حاصل می‌شود" (بیبر، هیگینز، 1385، ص یازده). در عمل، فرایند برنامه‌ریزی زمین با ارزیابی یک سایت از طریق تحلیل آن آغاز می‌شود[8]، و در گام بعدی به اتکای اطلاعات به‌دست آمده از طریق تحلیل سایت و با رعایت ملاحظات حفاظت محیطی و همچنین با در نظر گرفتن نیازها و خواسته‌های کاربران، تصمیمات بهینه برای عمران و توسعه سایت اتخاذ می‌شود. بر این اساس برنامه‌ریزی زمین به مرحله آغازین یک اقدام معمارانه یعنی مرحله سازماندهی فرایند طراحی ـ مربوط می‌شود که در آن نحوه استفاده از زمین، منطقه‌بندی، تعامل طرح با طبیعت و عوامل مرتبط دیگر مورد توجه قرار می‌گیرند (Lynch, Hack,1984, P:6).

در حال حاضر از دیدگاه مباحث جدید علوم محیطی ـ که در چند دهه اخیر مطرح شده‌اند ـ اصول برنامه‌ریزی زمین، مقدمه‌ای بر اصول برنامه‌ریزی پایدار محیطی تلقی می‌شود (Strom, Nathan, 1998, P: 21). بنابراین با گذشت زمان، برنامه‌ریزی زمین به فعالیت پیچیده‌ای تبدیل شده است که "ماهیتی چند رشته‌ای داشته و موفقیت آن مرهون تخصص‌های گوناگون می‌باشد" (بیبر، هیگینز، 1385، ص 10).

تحلیل اصول برنامه‌ریزی زمین؛ نگرش سنتی یا نگرش مدرن

باید اذعان نمود در روزگاری که خواجه رشیدالدین فضل‌الله در آن می‌زیست، برنامه‌ریزی زمین، تخصص ویژهٔ حرفه یا رشته خاصی نبود؛ بلکه به‌طور عرف کسانی که در تصمیمات عمرانی دخیل بودند، به همان میزان نیز مسئولیت برنامه‌ریزی زمین را بر عهده داشته‌اند. بر این

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

اساس در نوشتار حاضر، نوع نگرشی که برای تحلیل اصول برنامه‌ریزی زمین در پیدایی فتح‌آباد اتخاذ شده است، با نگرش سنتی مقارنه دارد. انتخاب چنین رویکردی بدان دلیل است که ساختار بحث تا حد امکان با مقتضیات بستر تاریخی آن سنخیت داشته باشد.

برنامه‌ریزی زمین در عمران فتح‌آباد

در ابتدا باید گفت که برنامه عمرانی فتح‌آباد، حاصل آن بخش از جهان‌بینی خواجه رشیدالدین فضل‌الله بود که او را در تاریخ به‌عنوان یک شخصیت معمّر شهره کرده است. لازم است بدانیم "علاقه رشیدالدین به کارهای آبادانی چنان بود که بیشتر نامه‌های بازمانده از او خطاب به فرزندان، حکام و گماردگانش در ولایات در سفارش این امر است" (رجب‌زاده، 1377، ص375)، [9].

در اینجا به‌اقتضای موضوع بحث و به‌استناد دو منبع تاریخی، یعنی «وقفنامه ربع رشیدی» و «مکاتیب رشیدی» برخی از اصولی که در برنامه‌ریزی زمین در راهبرد عمرانی فتح‌آباد ملحوظ بوده‌اند؛ مورد توجه قرار گرفته است. باید اذعان نمود که اصول ذیل جامع همهٔ واقعیات مرتبط نیست و دلیل انتخاب آن‌ها در وهله نخست به رویکردی بر می‌گردد که در بخش بالا راجع به آن بحث شد. لذا در این نوشتار از پرداختن به زیرشاخه‌هایی که برای مقوله برنامه‌ریزی زمین، به‌اقتضای شرایط معاصر طرح می‌شوند، پرهیز شده است. اما دلیل عمده در پرداختن به موارد چهارگانه ذیل، شفافیت و قطعیت مستندات آن‌ها است و اهتمام بر این بوده که از طرح حدسیات پرهیز شود[10].

بهره‌مندی از پتانسیل‌های طبیعی

در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه انتظام فضایی و سامان کالبدی باغ فتح‌آباد تبریز» که در سال 1384 هجری‌شمسی به عمل آمد؛ بخشی از دلایل ماندگاری ایده خواجه رشیدالدین در عمران اراضی فتح‌آباد مورد تحلیل قرار گرفته است (کبیرصابر، 1384). نتایج پژوهش مذکور نشان می‌دهد که خواجه رشیدالدین به پتانسیل‌های طبیعی منطقه، مانند منابع سطحی و زیرسطحی، ویژگی‌های خاک، آب، حجم منابع آبی و چگونگی آبدهی آن‌ها دقت نظر وافر داشته است. به‌طور نمونه مکان‌یابی فتح‌آباد در دامنه‌های شمالی سهند و نحوه بهره‌مندی از مواهب طبیعی آن منطقه شاهدی بر این ادعا است[11].

هماهنگی با عوارض بستر طرح

در برنامه عمرانی فتح‌آباد کسب شناخت نسبت به عوارض طبیعی بستر طرح و سپس هماهنگ ساختن طرح با ناهمواری‌های زمین کاملاً مورد توجه بوده است. هر چند که "شناسایی و طبقه‌بندی اراضی، به‌ویژه در ارتباط با امکان کشت آبی، به دلیل تفاوت ناحیه‌ای و تنوع قابلیت خاک‌ها، معمولاً کاری بس مشکل و پیچیده است" (سعیدی، 1389، ص8)؛ و طبعاً خواجه رشیدالدین نیز در مکان‌یابی برای طرح‌اندازی روستای فتح‌آباد درگیر چنین مسئله‌ای بود، لکن موفقیت برنامه عمران فتح‌آباد نشانگر احاطه خواجه رشیدالدین نسبت به چنین موضوع خطیری است[12].

تعامل با برنامه عمرانی مجتمع‌های زیستی پیرامون

برنامه‌ریزی زمین در فتح‌آباد ضمن آنکه تابعی از اصول عمرانی شهرستان رشیدی بود، در تعامل با راهبردهای عمرانی پایتخت یعنی شهر تبریز نیز بوده است. در اینجا لازم است یکبار دیگر مطلب کتاب «تاریخ الجایتو» مرور شود: "و نیز [خواجه رشیدالدین فضل‌الله] قرب سیصد سر گاو دیو هیکل عفاریت منظر با چند نفر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

گاوبنده یزدی به تبریز آورده است تا جمله قاذورات و مستقبحات شهر بر پشت ایشان به باغ فتح‌آباد و رشیدآباد و غیرهما می‌کشند [.....]" (القاشانی، 1348، ص116). این گزارش تاریخی دلالت بر پیوندهای بین حیات شهری تبریز با منطقه فتح‌آباد و رشیدآباد دارد و چنین مستفاد می‌شود که زباله‌ها و پسمانده‌های شهر تبریز به این مناطق منتقل و در آنجا به نحوی به طبیعت برگردانده و یا احتمالاً به کود تبدیل می‌شده‌اند. «لمتون» باستناد «مکاتیب رشیدی» ضمن بحث درباره احشامی که خواجه رشیدالدین در اختیار داشت می‌نویسد: "هزار رأس گاو نر و هزار رأس درازگوش به جهت حمل میوه و سماد (کود مخلوط) و کود و سنگ و غیره بر ربع رشیدی و بستان‌های تبریز که او انشاء کرده بوده است وقف می‌کند" (لمتون، 1362، ص199). «پطروشفسکی» نیز در کتاب «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» مطلبی مشابه این را آورده است (پطروشفسکی، 1357، ص601). لذا قابل درک است که منطقه فتح‌آباد و رشیدآباد علاوه بر حیات متعارف خویش، در حیات شهری تبریز نیز نقش ایفا می‌کرده‌اند. در این صورت می‌توان گفت کاری که خواجه رشیدالدین فضل‌الله در برنامه‌ریزی زمین برای عمران فتح‌آباد انجام داد، یک برنامه‌ریزی محیطی برای حفظ محیط زیست و برآورده کردن نیازهای زیست محیطی شهر تبریز نیز بوده است. به عبارتی خواجه دریافته بود که می‌شود برای تضمین زیست پایدار در شهر تبریز و بقای نواحی نوآبادی چون فتح‌آباد و رشیدآباد پیوندهای منطقی برقرار نمود.

توجه به متغیرهای فرهنگی و اجتماعی

تأمل در نحوه عمران فتح‌آباد و رشیدآباد و بررسی ملاحظاتی که بر آفرینش آن‌ها مترتّب بوده، نشان می‌دهد که واقعیت‌های عمرانی مذکور، مجزا از متغیرهای زیست اجتماعی و روابط بین آن‌ها نبوده است. به‌استناد مطالب بخش 3 به‌طور نمونه می‌توان به اسکان غلامان آواره در اراضی نوآباد و سپس اعطای پاداش و ارفاق به آن‌ها و تبدیل غلامان معمولی به غلامان سهم‌بَر اشاره نمود، تا بدینوسیله انگیزه کار در آن‌ها برانگیخته شود[13]. مثال دیگر تهیه مسکن برای غلامان مذکور و اعتقاد به اینکه باید ازدواج نموده و تشکیل خانواده دهند؛ بدین صورت تمایل به سکونت در فتح‌آباد و حس تعلق به مکان در وجود آن‌ها افزایش می‌یافت[14]. مواردی از این دست که پیش‌تر و به‌طور تفصیل راجع بدان بحث شد، به روشنی نشان می‌دهد که برنامه عمرانی خواجه رشیدالدین در این منطقه، عاری از توجه به متغیرهای فرهنگی و اجتماعی نبوده است.

نتیجه

یکی از طرح‌های عمرانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله در حاشیه شهرستان رشیدی، برنامه‌ریزی برای آفرینش یک سکونت‌گاه روستایی به نام فتح‌آباد بود. متون تاریخی مبین است که اراضی فتح‌آباد تا پیش از اقبال خواجه رشیدالدین، منطقه‌ای بایر بوده که در اثر توجهات عمرانی خواجه به یکی از نقاط خرم و سرسبز در ربض شهرستان رشیدی و در حومه جنوب خاوری شهر تبریز تبدیل می‌شود. در آن زمان این نوآبادی هم از نظر کالبدی و هم از نظر کارکردی در ارتباط با دارالعلم ربع رشیدی و نیز در شمار رقبات آن بود. مستندات تاریخی گواه آن هستند که تدبیر امور عمرانی فتح‌آباد مرهون دخالت مؤثر شخص خواجه رشیدالدین بوده است. بر این اساس در نوشتار حاضر از منظر تأملات تبارشناسی روستا در ایران، اطلاعات تاریخی مذکور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا نقبی برای شناخت نحوه برنامه‌ریزی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

ساختاری فتح‌آباد باز شده و از این طریق گوشه‌ای از آرای عمرانی خواجه رشیدالدین آشکار شود. این بحث معلوم نمود که نحوه طرح‌افکنی فتح‌آباد علاوه بر آنکه وامدار سنت‌های عمران روستایی در ایران بود، خصوصیات ویژه‌ای نیز داشت که آن را از دیگر روستاهای ایرانی متمایز می‌نمود. این ویژگی منبعث از دو عامل اصلی بود، نخست؛ تعلق ماهوی و ارتباط این روستا با دارالعلم ربع‌رشیدی و دوم؛ تدبیر و تمهید خاصی که خواجه رشیدالدین برای انجام و فرجام آن اندیشیده بود. همچنین در این نوشتار دانسته شد که اقدامات عمرانی خواجه در فتح‌آباد، به نوعی مبتنی بر اصول برنامه‌ریزی زمین بوده است و حصول آگاهی از طیف گسترده‌ای از عوامل محیطی و نحوه هماهنگی با آن‌ها، از مؤلفه‌های مؤثر در موفقیت آن برنامه به‌شمار می‌آید. در کل دوام هفت‌صد ساله آبادانی در منطقه فتح‌آباد و سپس ادغام اراضی آن در کلان‌شهر تبریز در سال‌های اخیر، گواه بر حُسن تدبیر خواجه رشیدالدین در نحوه مکان‌یابی و عمران آن است. زیرا اگر نقایص و کاستی‌هایی در این برنامه عمرانی وجود می‌داشت، باید بلافاصله بعد از قتل خواجه رشیدالدین و از هم پاشیدن نظام موقوفات‌اش، فتح‌آباد نیز متروکه می‌شد. اما دقت نظر خواجه در تدوین راهبردهای عمرانی، چنان نافذ بود که علیرغم همه تلاطمات اجتماعی، منطقه فتح‌آباد قرن‌ها به حیات خرم خویش ادامه داد.

پی نوشت

1. مصاحبه نگارنده با آقای دکتر رسول درسخوان عضو شورای اسلامی کلان‌شهر تبریز، تاریخ مصاحبه 1390/10/28

2. ر.ک به: پرونده قنات‌های منطقه فتح‌آباد، آرشیو سازمان آب منطقه‌ای استان آذربایجان‌شرقی و اردبیل

3. برای مطالعه بیشتر ر.ک به: کبیرصابر، تعامل طرح و طبیعت در باغ فتح‌آباد تبریز

4. باغ رشیدآباد مجموعه‌ای از باغات دیگر به نام‌های باغ نجم‌آباد، باغ دبناباد، باغ فردوس و باغ خانقاه را نیز به‌انضمام داشته است که همگی متصل به هم بوده و به نام باغ رشیدآباد شناخته می‌شدند.

5. یکی از پیامدهای حملات مغولان به سرزمین‌های مختلف، فراوانی طبقه اسیر و برده در جامعه تحت حاکمیت آن‌ها بود. «پطروشفسکی» در کتاب «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» شرحی بر ترابط این مسئله با عمران اراضی دارد (پطروشفسکی، 1357، ص594).

6. برای فهم بهتر این مطلب، به متن خواجه رشیدالدین در وقف‌نامه رجوع شود که نوشته است: "دویست بیست نفر غلام [.....] با دویست بیست نفر کنیزک که مزوجات ایشانند وقف کردم بر ابواب‌البر ربع رشیدی" (فضل‌الله الهمدانی، 1356، ص150). و سپس قید می‌کند که "از این غلامان صد پنجاه نفر به باغبانی و زراعت و عمارات باغات وقفی مشغول گردانند، چنانک صد نفر در باغ رشیدآباد و باغاتی که با آن منضم است [..... و نیز] پنجاه را در باغ فتح‌آباد" (پیشین، ص153). خواجه رشیدالدین در تشریح شروط اختصاصی غلامان وقفی فتح‌آباد و رشیدآباد نوشته است که "تا ایشان در آن باغات عمارت می‌کنند از بیل زدن و میو بریدن و درخت پاک کردن و نشاندن میو و درخت و حفر جوی‌ها کردن و اگر دیواری بیفتد و ردم ثلمه‌های آن آنچ مقدور ایشان و معهود باغبانان باشد آن را به جای آرند، و چون بدان عمارات قیام نموده باشند یک ربع از ارتفاعات محل عمل هر یک چنانک رسم تبریز و تمامت بلاد آذربایجان است بدو دهند و بیرون آن به زیادتی هر روزه سیصد من نان گندمین به وزن تبریز به موجبی که در فصل کیفیت تسلیم نان و وظایف آن و تعیین و موضع تسلیم در ربع رشیدی بدیشان تسلیم کنند هر یک را هر روز دو من [دهند] تا آن را با ربعی ارتفاع و ربع محل عمل خود در وجه اخراجات خود و عیال صرف کنند و چون نظر بر رفاهیت ایشان داشته با آنک ایشان وقف‌اند و به سبب عرف آن بلاد یک ربع از ارتفاع باغبانان را معهود بیش نبوده آن ربع بریشان مسلم داشت و زیادت بر آن هر روز دومن نان [گندمین] اضافت کردم. باید که ایشان نظر از خیانت و تردد به عمارت غیر قطع کنند و در عمارتی که بدیشان حواله رفت هر سعیی [که توانند] به جای آرند و بعد از اتمام آن عمارت هر کاری که متولی مصلحت داند از عمارت خانه‌ها و باغات دیگر و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

زبل کشیدن و مکاریی کردن و آنچ متولی مصلحت دیده اشارت کند به جای آرند و اهمال و تقصیر نکنند" (پیشین).

7. ر.ک به: آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل‌الله، فصل هفتم، ص156

8. این مرحله شامل کسب اطلاعاتی درباره شیب زمین، نوع خاک، آب‌شناسی، پوشش گیاهی، مالکیت‌ها، جهت‌گیری اقلیمی و غیره می‌شود.

9. به‌طور نمونه در نامه‌ای به فرزندش خواجه جلال‌الدین حاکم روم می‌نویسد: "چون ربع رشیدی محلی وسیع است[،] پنج قریه در آن احداث کرده‌ایم و اکنون چهار قریه آباد شده است[،] از این رو در هر یک از قراء، زنگیان و گرجیان و قردیان و حبشیان، چهل نفر ذکور و اناث مسکن دارند. قریه دیگر که از رعیت خالی و از عمارت عاری مانده است [،] می‌خواهیم که قریه رومیان باشد، توقع که چهل غلام و کنیزک رومی به دارالسلطنه تبریز فرستید که در قریه مذکور ساکن و به عمارت مشغول شوند". (مأخوذ از: مشکور، محمدجواد، ربع رشیدی، در مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ص295)

10. البته ناگفته نماند که استخراج اصول فرعی و مبسوط‌تر در این خصوص، مستلزم انجام یک تحلیل استنباطی مبتنی بر بررسی جامع‌الاطراف در آثار خواجه رشیدالدین فضل‌الله است؛ که خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگر قرار گیرد

11. برای آگاهی بیشتر در باب جزئیات این موضوع، مطالعه گزارش طرح پژوهشی «مطالعه انتظام فضایی و سامان کالبدی باغ فتح‌آباد تبریز» سودمند است.

12. ر.ک: منبع فوق و همچنین مقاله «تعامل طرح و طبیعت در باغ فتح‌آباد تبریز»

13. ر.ک: ـ مقاله باغ فتح‌آباد؛ باغ از یاد رفتهٔ ابواب‌البرّ ربع رشیدی اثر محمدباقر کبیرصابر

14. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به تحلیل‌هایی که درباره اقدامات خواجه‌رشیدالدین فضل‌الله در دو منبع ذیل درج شده‌اند، رجوع شود:

ـ کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول اثر پطروشفسکی

ـ کتاب مالک و زارع در ایران اثر لمتن

منابع

– افشار، ایرج.(1350)، رشیدالدین فضل‌الله و یزد (در مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی)، ج1، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

– بییر، آن؛ هیگینز، کاترین.(1385)، برنامه‌ریزی محیطی برای توسعه زمین، ترجمه حسین بحرینی، کیوان کریمی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

– پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ. (1357)، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارت نیل.

– رجب زاده، هاشم. (1377)، خواجه رشیدالدین فضل الله، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول.

– رجب‌زاده، هاشم. (1355)، آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل‌الله، انتشارات طوس، تهران.

– سرتیپی‌پور، محسن. (1388)، آسیب‌شناسی معماری روستایی؛ به سوی سکونت‌گاه مطلوب، تهران، انتشارات شهیدی، چاپ اول.

– سعیدی، عباس. (1389)، ده مقاله در شناخت سکونت-گاه‌های روستایی، تهران، نشر مهر مینو، چاپ اول.

– شناسنامه آبادی‌های کشور (استان آذربایجانشرقی ـ شهرستان تبریز، سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375). (1376)، چاپ اول، تهران، مرکز آمار ایران.

– فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران (تبریز). (1371)، ج 6، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

– فضل‌الله الهمدانی، رشیدالدین. (1356)، وقف‌نامه ربع رشیدی: الوقفیه‌الرشیدیه بخط‌الواقف فی بیان شرائط امورالوقف و المصارف، به کوشش مجتبی مینوی ـ ایرج افشار ـ عبدالعلی کارنگ، تهران، انجمن آثار ملی.

– القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد. (1348)، تاریخ الجایتو، به‌اهتمام مهین مهبلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

– کبیرصابر، محمدباقر. (1384)، باغ فتح‌آباد؛ باغ از یاد رفتهٔ ابواب‌البرّ ربع رشیدی، کنگرهٔ فرهنگ و تمدن ایران عصر ایلخانی و طرح احیای ربع رشیدی، دانشگاه تبریز.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

– کبیرصابر، محمدباقر. (1387)، تعامل طرح و طبیعت در باغ فتح‌آباد تبریز، گلستان هنر (فصلنامه)، سال چهارم، شماره یک، بهار.

– کبیرصابر، محمدباقر. (1384)، مطالعه انتظام فضایی و سامان کالبدی باغ فتح‌آباد تبریز، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان‌شرقی.

– مشکور، محمدجواد. (1350)، ربع رشیدی، (در مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران، دانشگاه تهران.

– لمتن، ا. ک. س. (1377)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.

– Lynch, Kevin, Hack, Gary. (1984), *Site Planning, Cambridge*, MA:MIT Press.

– Strom, Steven, Nathan, Kurt. (1998), *Site engineering for landscape architect*, University of Michigan, John Wiley.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]